

یادداشت

جرا عملیات زمینی به تعویق می افتد؟



هادی خسروشاهین

کارشناس مسائل بین الملل

چرا حمله زمینی اسرائیل به غزه مدام به تاخیر می افتاد؟! این معمای است که بسیاری از تحلیلگران در تلاش هستند آن را حل کنند؛ اما واقعیت این است که بسیاری در این مسیر ناموفق بوده اند؛ دلیل آن نیز بسیار روشن است؛ بر پایه یک خطای ذهنی تحلیل ها بر پایه مختصات جغرافیایی صحنه نبرد استوار شده اند؛ به عبارت دیگر چون جنگ در غزه جریان دارد؛ طبیعتا تصور می شود پاسخ معمای مانیز باید در همین مختصات دنبال شود. اما اگر نگاهمان منطقه ای و کلان تر باشد و بر این پایه به بازی خوانی راهبردی از معادلات دست بزنیم؛ آن وقت چه؟ آیا در چنین بستری ابعاد واقعی و گسترده این معما بر ما آشکار نخواهد شد؟ مدعای این تحلیل این است که باید از ژورنالیسم حاکم بر این روزها کمی فاصله بگیریم همچنین مواضع ظاهری دولت ها را کنار بزنیم تا به اعماق و لایه های پنهان این معما پی ببریم؛ در غیر اینصورت پاسخ های ما سطحی خواهند بود؛ پاسخ هایی از این دست؛ اختلاف ارتش و نتانیاهو عملیات زمینی را به تاخیر انداخته است؛ کمک های بشر دوستانه باید انجام شود تا بعد عملیات آغاز شود؛ اسرائیل از آمادگی لازم برای حمله برخوردار نیست و... این پاسخ ها هیچ کدام ما را به سر منزل مقصود نمی رسانند. به نظر می رسد در پشت پرده و از طریق کانال های محرمانه پویایی های بزرگی در جریان است اما واقعیت این است که همه این پویایی ها به دو نقطه ختم می شوند؛ تهران و واشنگتن. این فرضیه با تحولات میدانی نه در غزه بلکه در سراسر منطقه نیز قابل تایید است. در حوزه کانال ها محرمانه شاهد دوئل پیام ها هستیم؛ از یک طرف ایران احتمالا از هفته دوم منازعه پیام هایی از طریق واسطه های منطقه ای به واشنگتن و تل آویو مخابره کرده است مبنی بر اینکه هر گونه ورود زمینی به جنگ گسترده منطقه ای منجر خواهد شد در نقطه مقابل مهر مان با سفر بلینکن به قطر نیز پیامی نیز از واشنگتن به تهران از طریق دو حه انتقال داده شده است که ورود بازیگر سوم به معادله غزه با واکنش آمریکا مواجه خواهد شد اما پیام های دیپلماتیک در صورتیکه ردپایی در حوزه میدان نداشته باشند، نارس هستند و بدون تأثیر گذاری لازم. پس دو طرف در عرصه میدانی نیز دست به کار شدند تا از این پیام های محرمانه پشتیبانی به عمل آورند؛ در این چارچوب طبیعی است که ایران نشان دهد که برای چنین جنگی از هر حیث آمادگی دارد هم خودش و هم بازیگران محور مقاومت که از شرق دریای سرخ تا شرق دریای مدیترانه پراکنده اند. پس در گام اول محور مقاومت به جابه جایی نیروهای خود در سوریه پرداخت؛ یعنی نیروها از شمال سوریه به مناطقی چون حلب به جنوب شام منتقل شدند. در گام دوم باید لایه اول شبکه بازدارندگی در میدان به عملیات تاکتیکی دست می زد؛ لایه اول که هدف گذاران هستند حضور نظامی آمریکا را در منطقه در کانون توجه قرار می دهند و درصددند با اقدامات نامتوازن هزینه حفظ و افزایش نیروها در منطقه را افزایش دهند. نقطه تجمع این گروه در شام و بین النهرین است. در همین چارچوب ۱۳ عملیات طی یک هفته علیه پایگاه های آمریکایی انجام شد که نتیجه اش زخمی شدن ۲۴ نظامی آمریکایی بود. این اقدامات صرفا جنبه تاکتیکی داشت اول برای اینکه نشان دهد که پیام مخابره شده از تهران به واشنگتن از منطق و امکان عملیاتی هم برخوردار است و در مرحله دوم تا جای ممکن هزینه افزایش نیروهای و تجهیزات آمریکایی را در منطقه افزایش دهد؛ پس این اقدامات با یک شیب ملایم به نقطه اوج می رسند تا دو هدف مهم را تأمین و تضمین کند. اما در گام سوم هم لایه دوم شبکه منطقه ای مقاومت باید فعال شوند. یعنی حزب... و انصار... و نیروی بدر. فعال شدن نه در ابعاد راهبردی بلکه برای ضربه های تاکتیکی صرفا بر اسرائیل (وظیفه لایه دوم تمرکز بر بازیگران رقیب منطقه ای ایران است). از همین رو حزب... در شمال اسرائیل نیز وقفه به هدایت عملیات نظامی تاکتیکی در این منطقه مبادرت ورزید تا باز دو هدف مورد پیگیری قرار بگیرد؛ اول اینکه حزب... در آمادگی کامل برای ورود به جنگ است و دوم اینکه حزب... حتی به شیوه تاکتیکی نمی گذارد اسرائیل از ناحیه شمال احساس امنیت کند. حال در این مرحله باید نیروی چهارمی هم به میان می آمد؛ ما هم با سور برابری های برهم زننده برداشت های راهبردی طرف مقابل؛ استفاده انصار... از موشک های با برد دو هزار کیلومتر و سر جنگی که تنی و پهلپادهایی با بمب های ۴۰۰ کیلویی که جنوب اسرائیل را هدف قرار می داد. اگر چه این ابزارها توسط امریکا رهگیری شد ولی پیام لازم را مخابره کرده دوری مسافت یکی از نیروهای بازدارنده باعث نمی شود که از حضور در عملیات میدانی باز بماند. پس خطر نه فقط از جانب حزب... برای اسرائیل است بلکه امکان ورود بازیگر چهارم هم به معادله نبرد با اسرائیل وجود دارد.

در پیچه

محمد حسن آصفری؛

دنیا کمک غربی ها به جنایات

رژیم صهیونیستی را فراموش نمی کند

نایب رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس، ضمن محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دست اندکاران کنگره بزرگداشت ۶۵۵۵ شهید استان لرستان اظهار کرد: مسئله فلسطین، مسئله مهمی است. ملت های مسلمان و فراتر از آن همه مردم دنیا با هر دین و مسلکی نباید امروز در برابر جنایات رژیم صهیونیستی که روزانه ده ها کودک بی گناه را به خاک و خون می کشد، سکوت کنند. بلکه بایستی انر جار خود را نشان دهند. محمد حسن آصفری گفت: از سوی دیگر صرفا با محکوم کردن این جنایت نباید کنار نشست بلکه بایستی در موضع دیپلماسی با اسرائیل برخورد شود. بایستی تمام کشورهای دنیا همه کالاهایی که تولید این رژیم است را تحریم کنند. بایستی سفارتخانه های خود را تعطیل کنند. باید برای حمایت از مردم مظلوم غزه چنین اقداماتی صورت بگیرد. نماینده مردم اراک در مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد: جای تاسف دارد که امروز برخی کشورهای دنیا به ویژه کشورهای غربی به اسرائیل رفته و با نتانیاهو دیدار می کنند و به این رژیم منحوس کمک کرده و شریک جرم آن هستند. این کارها را ملت های دنیا فراموش نخواهند کرد.



آرمان ملی – احسان انصاری: جنگ غزه روز به روز عمق بیشتری پیدا می کند. براساس آخرین آمار شمار شهدای فلسطینی در غزه به بیش از ۷ هزار نفر رسیده است. بیش از ۲ هزار نفر از این شهدا کودکان هستند. با این حال هنوز از عملیات زمینی خبری نیست. که یک از دلایل این امر مقاومت مقتدرانه و همراه مظلومیت غزه است. این در حالی است که روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داده که اسرائیل موافقت کرده است عملیات زمینی به غزه را به تاخیر بیندازد. این رسانه به نقل از مقام های آمریکایی و اسرائیلی نوشته است که اسرائیل با درخواست ایالات متحده تصمیم گرفته این حمله را به تاخیر بیندازد. اتفاقی که در صورتی که رخ بدهد این احتمال وجود دارد جنگ غزه ابعاد فراتری بگیرد و بازیگران جدیدی از هر دو طرف پیدا کنند. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با حسن بهشتی پور، تحلیلگر روابط بین الملل گفت وگو کرده است. بهشتی پور معتقد است: «هنوز مشخص نیست که آیا اسرائیل از حمله زمینی به غزه منصرف شده است یا خیر. این رژیم اگر عقل و منطق داشته باشد قاعدتا نباید حمله کند. زیرا حمله زمینی آنها را با یک جنگ چریکی به صورت خانه به خانه درگیر خواهد کرد. ارتش اسرائیل آماده جنگیدن این چنینی به صورت طولانی مدت را نخواهد داشت. سابقه ارتش اسرائیل نشان می دهد که «بزن در رو» است. یعنی اهدافی را که دارد مورد هدف قرار می دهد و بعد از مهلکه فرار می کند. بنابراین ارتش اسرائیل آمادگی برای جنگ طولانی را ندارد. منظور بنده از طولانی شش ماه تا یک سال است. لشکر کشی بزرگی که اسرائیل در مرزها خود انجام داده فقط برای عملیات روانی و ترساندن مردم غزه نیست به نظر می رسد آنها بر نامه هایی برای ورود زمینی به غزه دارند.» در ادامه این گفت وگورامی خوانید.

◀ درگیری ها بین اسرائیل و حماس شدت گرفته و این احتمال وجود دارد د جنگ ابعاد جدید و منطقه ای پیدا کند. در صورت چنین اتفاقی این جنگ دارای چه ابعدی خواهد شد؟

حزب... حماس، انصار...، حشدالشعبی و... همه گروه های مقاومت متحدان ایران و در همان چارچوب ایستادگی در برابر قدرت های بزرگ تعریف می شوند. ایران در برابر حمله و تجاوز به متحدانش سکوت نخواهد کرد. قبل تر هم جمهوری اسلامی اعلام کرده بود که اگر اسرائیل دست به عملیات نظامی بزند ایران سیاست انفعال در پیش نخواهد گرفت. بنابراین حملات اسرائیل تنها درگیری ها در خاورمیانه را شدیدتر می کند. ایران هشدارهای جدی به اسرائیل داده است. اسرائیل به خوبی می داند اگر وارد غزه بشوند تلفات بسیار بالایی خواهند داد. ورود به غزه یعنی ورود به جنگ شهری. آنجا دیگر جنگ با پشتیبانی توپخانه و موشک پیش نمی رود. اسرائیلی ها هم می دانند که در یک جنگ چریکی هم تلفات بیشتری می دهند هم اینکه ممکن است نیروهای مقاومت در لبنان و سوریه فعال بشوند. هشدار ایران به اسرائیل این پیام را رساند که در صورت ورود به غزه وضعیت برای اسرائیل دشوارتر می شود. در حال حاضر جنگ در سطح گروه های مقاومت است. اسرائیل نه می تواند حماس را نابود کند نه حزب... را.

◀ به چه میزان این احتمال وجود دارد که بین اسرائیل و حماس و یا حزب... جنگ زمینی در بگیرد؟ نکته اول این است که هنوز مشخص نیست که آیا اسرائیل از حمله زمینی به غزه منصرف شده است یا خیر. این رژیم اگر عقل و منطق داشته باشد قاعدتا نباید حمله کند. زیرا حمله زمینی آنها را با یک جنگ چریکی به صورت خانه به خانه درگیر خواهد کرد. ارتش اسرائیل آماده جنگیدن این چنینی به صورت طولانی مدت را نخواهد داشت. سابقه ارتش اسرائیل نشان می دهد که «بزن در رو» است. یعنی اهدافی را که دارد مورد هدف قرار می دهد و بعد از مهلکه فرار می کند. بنابراین ارتش اسرائیل آمادگی برای جنگ طولانی را ندارد. منظور بنده از طولانی شش ماه تا یک سال است. لشکر کشی بزرگی که اسرائیل در مرزها خود انجام داده فقط برای عملیات روانی و ترساندن مردم غزه نیست به نظر می رسد آنها برنامه هایی برای ورود زمینی به غزه دارند. نکته دوم این است که اسرائیل با ورود به غزه زمینه جنگ چند وجهی را فراهم می کند. در این صورت امکان دارد هم در شمال با حزب... درگیر شود و هم با نیروهای مقاومت در سوریه روبه رو شود. به نظر می رسد آمریکا نقشی در تصمیم گیری اسرائیل درباره حمله زمینی به غزه ندارد. زیرا جنگ هنوز منتفی نشده و آمریکایی ها تمام قد از اسرائیلی ها پشتیبانی کردند. بایندن شخصا به تل آویو رفت و در عالی ترین سطح تلاش

حسن بهشتی پور در گفت وگو با «آرمان ملی»:



درگیری در غزه عمق تنش بین ایران

و غرب را بیشتر می کند

آمریکادوست ندارد در آستانه انتخابات

وارد یک جنگ ناخواسته شود

اینکه چنین پنداشته شود،

مساله فلسطین به ایران ارتباطی

ندارد، تفسیری کاملا اشتباه است.

تحولات منطقه بر اساس فهم

صحیح نظام بین الملل و قواعد

قدرت، برای تهران باید اهمیت

داشته باشد. باید گفت مساله تنش

میان ایران و آمریکا، چندان متأثر از

مساله فلسطین و جنگ غزه نیست.

اینکه ایران در این بحران مداخله

نکند، به هیچ عنوان زمینه ساز

تنش زدایی میان دو کشور نیست.

حل مسائل میان دو کشور نیازمند

گفت وگوهای عمیق و بنیادی است

سال گذشته با محوریت مسائل حقوق بشری مربوط به اعتراضات داخلی در ایران ارجاع داد. اتفاقات سال گذشته، روندی را به وجود آورد که حتی دو طرف در سطح مدیر کل نیز به سختی با یکدیگر ارتباط می گیرند. اصل بحث روابط ایران با اتحادیه اروپا و انگلستان، عمدتا در ارتباط با مسائل حقوق بشری و در مرحله دوم برجام است. بنابراین می توان گفت، شاید جنگ غزه عمق بیشتری به اختلافات بدهد، اما زمینه اصلی تنش از قبل وجود داشته است. از سوی دیگر گشایش اخیر ایران و امریکا برای تبادل زندانیان و آزادسازی دارایی های مسدود شده، حاصل دو سال مذاکرات فشرده بود که به صورت ناووشته و با واسطت عمان و قطر به سرانجام رسید. این توافق به معنای حل ریشه ای مشکلات میان طرفین در زمینه برجام و پرونده هسته ای نبود. امریکا به شکل سنتی و در وضعیت جاری، اسرائیل را متحد استراتژیک خود می داند و منتها باید توجه داشت که جو بایدن، رئیس جمهور امریکا با بنیامین نتانیاهو اختلافاتی جدی دارد. بایدن باور به ایده دو کشوری برای حل بحران دارد، اما نتانیاهو از اساس، هیچ گونه حقی برای فلسطینی ها قائل نیست. با این وجود بایدن در سخنرانی خود قاطعانه از ضرورت نابودی حزب... و حماس سخن می راند. این بدین معناست که از قبل اختلاف موضع عمیقی میان امریکا و ایران وجود داشته و دارد. باید توجه داشت اختلافات میان ایران و امریکامنوط به تنها مساله فلسطین نیست. این مساله، تنها یکی از محورهای اختلاف دو طرف است. حتی سفر اخیر حسین امیرعبداللهیان و آنتونی بلینکن به منطقه را نمی توان به عنوان محوری برای تنش میان طرفین در نظر گرفت. هر دو طرف در پی آن بودند که با متحدان خود در منطقه پیرامون جنگ غزه ریزی داشته باشند. امریکا با تمام توان در قالب ارسال تجهیزات و ارسال ناو هواپیمابر به مدیترانه از اسرائیل حمایت می کند. باطالع ایران نیز از گروه های مقاومت حمایت به عمل می آورد. اینکه چنین پنداشته شود، مساله فلسطین به ایران ارتباطی ندارد، تفسیری کاملا اشتباه است. تحولات منطقه بر اساس فهم صحیح نظام بین الملل و قواعد قدرت، برای تهران باید اهمیت داشته باشد. در نهایت امر باید گفت مساله تنش میان ایران و آمریکا، چندان متأثر از مساله فلسطین و جنگ غزه نیست. اینکه ایران در این بحران مداخله نکند، به هیچ عنوان زمینه ساز تنش زدایی میان دو کشور نیست. حل مسائل میان دو کشور نیازمند گفت وگوهای عمیق و بنیادی است.

◀ در چنین شرایطی بهترین تصمیم از سوی ایران چه خواهد بود؟

منطقی ترین تصمیم در مقطع کنونی این است که هماهنگی های لازم برای گروه های مقاومت صورت بگیرد. از سوی دیگر برای حل تنش های میان ایران و غرب راه حل این است که یک بار با اندیشمندان و تحلیلگران ایران نشستنی صورت بگیرد و بررسی شود که در چه زمینه هایی امکان تنش زدایی با قدرت های غربی وجود دارد. باید مشخص شود در چه حوزه هایی امکان تعامل وجود دارد و در چه حوزه هایی مدیریت تنش لازم است. اینکه چنین پنداشته شود که ارتباط با گروه های مقاومت و حمایت از فلسطین عامل تنش با غرب خواهد بود، به هیچ عنوان تفسیر درستی نیست و نتیجه عدم شناخت محیط بین الملل است.

نگره

نگاهی به صحبت ها و رفتارهای پیمان جبلی؛

دور صدا و سیماسیم خاردار

نکشیده ایم!



ما به کسی باج نمی دهیم اما دور صداوسیما هم سیم خاردار نکشیده ایم دنبال سلب ریتمی هم نیستیم اما در تلاشیم تا ایرج پهلمااسب و احسان علیخانی و سعید آقاخانی را به تلویزیون بازگردانیم و در مجموع، همینی که هست! یک جمله بالا شاید عجیب و پر از تناقض باشد، این موارد سخنرانی های متعدد پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما در بازه های زمانی مختلفی است که از ابتدای اسماال انجام داده است. احتمالا این مورد را در هفته گذشته شنیده باشید که روزنامه هفت صبح در مطلبی نوشت: «شنیده ها حکایت از بازگشت احسان علیخانی به قاب تلویزیون با برنامه عصر جدید دارد. «در به روی همه باز است»، «با کسی مشکل نداریم» و ... اینها فحوا ی کلام پیمان جبلی رئیس سازمان صداوسیماست که مدام در برابر پرسش خبرنگاران به زبان می آورد. پیرو همین تفکر قرار بود رضا رشیدپور سری جدید «سیم آخر» را آماده کند که فریاد اعتراض یک مجری او را از تصمیمش منصرف کرد. رشیدپور اما دیر یا زود به تلویزیون خواهد گشت. کما اینکه مسیر برای حضور دوباره محمدرضا گلزار هموار شده. احسان علیخانی چطور؟ «ماجرایی که صحت و سقم آن معلوم نیست، اما آدم را به یاد شایعه بازگشت رضا رشیدپور می اندازد، همان شایعای که قرار بود رشیدپور با «سیم آخر» به تلویزیون باز گردد بعد مجری برنامه «پاورقی» در توییتر با این ماجرا مخالفت کرد و دیگران هم در جواب به او هم گفتند این برنامه تنها ۵ درصد مخاطب دارد و چون او حرفی برای گفتن نداشت متن استعفا ی خودش را در تلگرام منتشر کرد و بعد از آن هم پیمان جبلی با آن استعفانامه موافقت نکرد و در نهایت هم رضا رشیدپور اعلام کرد که هیچ قصدی برای بازگشت به تلویزیون ندارد.

◀ سیم خاردار نکشیده ایم

حالا که این ماجراها پیش آمده بعد نیست نگاهی ببندازیم به سخنان پیمان جبلی در هفته گذشته و مقایسه آن با سه ماه گذشته جبلی در سخنرانی اخیرش اعلام کرد: «در سازمان به روی همه هنرمندان باز است؛ خیلی ها تصور می کردند که ما دور سازمان سیم خاردار نکشیده ایم؛ در حالی که اکنون آمده اند و مشغول مذاکره با سیمافیلیم هستند. جبلی ادامه داد: «اتفاقا برخی هنرمندان به اشتباه، خودشان حضورشان را در رسانه ملی کمزنگ کرده اند، هیچ کس از آن ها نخواسته است که بروند، بلکه برعکس ما خواستیم که بمانند طرح بدهند، بازی کنند و اجرا کنند. با این حال ما به دیدگاهشان احترام می گذاریم و معتقدیم صداوسیما خانه هنرمندانی است که می خواهند به هویت و تاریخ این ملت خدمت کنند. مسئولان خدمتگزار تولید و محتوا هستند و شما هنرمندان و برنامه سازان صاحبان اصلی سازمان هستید. او این نکته را یادآور شد که: «با رفع مشکلات «سرزمین مادری» کمال تبریزی بعد از ۱۰ سال توقیف ابتدا به تلویویون و بعد روی آنتن شبکه سه سیما رفت و این نکته جدی تر به نظر می رسد که شرایط برای بازگشت برخی از برندها مهیاست.

◀ باج نمی دهیم!

این صحبت ها را جبلی در شرایطی مطرح کرد که اواخر مرداد و بعد از خاشیه هایی که در فضای مجازی شکل گرفته بود اعلام کرده بود: «دوران باج دادن و باج گرفتن در صداوسیما، گذشته است: «بعضی از منابع خبری که خوشان را حرفه ای و مسلط می دانند فرق ویراست و تویتر را نمی دانند؛ گویی به فتح بزرگی رسیدند و می گویند جبلی توتیت زده! اما در مورد عبارت «مدیر باجیده و باج بگیر» باید بگویم منظورم آنجا روشن بود. قرار نیست به بهانه جذب مخاطب و جذابیت شدن برنامه هایمان به هیچ چهره هنجار شکنی باج نمی دهیم که بخواهد ارزش های ما را زیر سؤال ببرد. رئیس صداوسیما توضیح داد: «از آن طرف به کسی اجازه نمی دهیم با استفاده از همین ظرفیت های متأسفانه غیروفادار به هنجارها و عناصر و چهره های هنجار شکن از ما باج بگیرد و بخواهد آنها را بیاورد و روی آنتن نشان بدهد. به بهانه ای که بخواهد برای ما منابع مالی تأمین کند نه ما زیر بار باج دادن می رویم نه زیر بار باج گرفتن؛ البته این در مورد بحث چهره ها بود. در همه سیاست هایمان چون رسانه ملی هستیم نباید اجازه دهیم کسی از ما باج بخوای کند و نه خودمان به کسی باج بدهیم.